

مقایسه ارزش تفسیری «اخبار صحابه و تابعان» و «روایات اهل بیت علیهم السلام» در «التفسیر الاثری الجامع»*

علی‌رضا محمدی فرد**

چکیده:

یکی از ویژگی‌های کتاب «التفسیر الاثری الجامع» آیت الله معرفت، گردآوری اخبار تفسیری صحابه و تابعان در کنار روایات معصومان علیهم السلام است. جایگاه علمی مؤلف و تفسیر وی و حساسیت موضوع حجیت اخبار صحابه و تابعان، اهمیت و ضرورت شناخت و معرفی دیدگاه او در این عرصه را نمایان می‌سازد. تحقیق حاضر با عطف توجه به سه مسأله اساسی در آرای استاد معرفت (یعنی مبانی خاص حدیث‌شناسی وی، چگونگی و کمیت بهره‌گیری از اخبار صحابه و تابعان در «التفسیر الاثری الجامع»، و مقایسه کیفیت به‌کارگیری اخبار تفسیری صحابه و تابعان و روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام در عملیات تفسیری)، مدعی است که ارائه معنایی خاص از معنای حجیت در اخبار تفسیری، و اصل دانستن نقد محتوایی حدیث نسبت به نقد سندی، تأثیر زیادی در حجت دانستن اخبار صحابه توسط استاد معرفت داشته است. از سویی در نگاه ایشان، اعتبار و ارزشمندی اخبار صحابه و تابعان به معنای هم‌طرزی آنها با روایات اهل بیت علیهم السلام نیست، بلکه وی با این کار دو هدف علمی و ترویجی را در تفسیر اثری پی می‌گیرد: ۱- پر کردن رخنه‌های ناشی از نبود روایات صحیح از اهل بیت علیهم السلام در تفسیر برخی آیات، ۲- نشر دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در میان دانشمندان اهل سنت و دفاع از دیدگاه‌های خاص شیعه.

کلیدواژه‌ها:

التفسیر الاثری الجامع / آیت‌الله معرفت / اهل بیت علیهم السلام / صحابه / تابعان / روایات تفسیری

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۶، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۳/۶.

alimohammadi@rihu.ac.ir

** دانشجوی دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پس از نگارش «التفسیر الاثری الجامع»، مقالاتی در معرفی، رد یا دفاع از دیدگاه مؤلف آن درباره حجیت و ارزش اخبار صحابه و تابعان به نگارش درآمد.^۱ اما سه نقیصه در آن مقالات به چشم می‌خورد:

۱- مبانی خاص حدیث‌شناسی استاد معرفت چه بود که منجر به دیدگاه خاص وی درباره اخبار تفسیری صحابه و تابعان شد؟

۲- استاد معرفت در مقام عمل و هنگام تفسیر آیات قرآن در تفسیر اثری، چگونه و تا چه اندازه از اخبار صحابه و تابعان بهره برده است؟

۳- وی هنگام تفسیر آیات قرآن، چه جایگاهی برای اخبار تفسیری صحابه و تابعان در مقایسه با روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام قائل شد؟

برای پاسخ دادن به این سه پرسش و آشکار شدن دیدگاه استاد معرفت، سعی می‌شود تا در دو بخش، دیدگاه وی درباره میزان ارزشمندی روایات تفسیری صحابه و تابعان در مقایسه با روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام بررسی شود. در بخش نخست، رویکرد نظری استاد معرفت تبیین می‌شود و در بخش دوم، رویکرد عملی ایشان در تفسیر و در نهایت نتایج حاصل از دو بخش با هم مقایسه می‌شود. البته پیش از پاسخ دادن به سه پرسش فوق و ورود به مباحث اصلی، بایسته است نخست مقدماتی بیان شود.

جایگاه آیات قرآن در تفسیر

استاد معرفت قرآن را اولین منبع معتبر برای تفسیر دانسته و می‌نویسد:
«شکی نیست که اولین منبع برای تفسیر قرآن، خود قرآن است؛ به اعتبار بازگرداندن

متشابهات به محکمت و ...» (معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۱/۱۲۱)

بنابراین از نظر او حتی روایات تفسیری پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در مقایسه با شأن تفسیری آیات قرآن، در درجه دوم اهمیت قرار دارند. عملکرد تفسیری وی در تفسیر اثری نیز همین مطلب را نشان می‌دهد؛ چرا که برای تفسیر برخی از آیات، با



وجود روایات، همچنان تکیه بر آیات را در اولویت قرار می‌دهد (به‌عنوان نمونه ن.ک: همان، ۴۷/۲، ۵۴-۵۲، ۱۲۰، ۳۳۸-۳۳۹ و ...).

جایگاه تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام

آیت‌الله معرفت در معرفی جایگاه تفسیری اهل بیت به دو گونه عمل می‌کند:

۱- در مقدمه تفسیر اثری، امام علی علیه‌السلام را در مرتبه صحابه طراز اول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار می‌دهد؛ هرچند ایشان را دارای جایگاهی رفیع‌تر نسبت به دیگر صحابه دانسته، دیگر صحابه را شاگردان تفسیری ایشان برمی‌شمرد (همان، ۹۸/۱).

۲- از سویی در چند جا از تفسیر اثری، بر علم الهی و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام تأکید دارد. به عنوان نمونه در جایی می‌نویسد:

«... همانا اهل بیت علیهم‌السلام - و در رأس ایشان امام امیر مؤمنان - به تنهایی، مرجع امت برای فهم صحیح قرآن، آنچنان که خداوند اراده کرده است، هستند.» (همان، ۶۲/۲)

یا در جای دیگر می‌نویسد:

«... برخی روایات جعلی را دست‌انداختن ناپاک به اهل بیت علیهم‌السلام نسبت داده‌اند تا از جایگاه ایشان بکاهند. هرگز چنین نخواهد شد، در حالی که خداوند ایشان را در نهایت پاکی قرار داده و آنان را از بدنامی اهل گمراهی و فساد مصون داشته است.» (همان، ۳۵۵)

همچنین در دیگر کتاب‌های خود به‌صراحت، علم اهل بیت علیهم‌السلام به کتاب را با عصمت و مقام الهی آنان پیوند زده و ایشان را وارثان و حاملان کتاب و منبع علوم و معارف آن می‌داند (همو، التفسیر و المفسرون، ۴۵۵/۱). نیز ایشان را متفاوت از دیگر عالمان و تنها کسانی می‌داند که دارای مقام عصمت و عارف به کتاب خدا و سنت رسول هستند و تنها کسانی‌اند که محل رجوع برای فهم قرآن هستند (همان، ۴۶۱). به علاوه از نظر وی، تنها کسانی اهل بیت علیهم‌السلام هستند که در اثر تربیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تأیید روح‌القدس، قدرت و حق تشریح احکام بر حسب رخدادهای

زمانه و مقتضیات را دارند (همو، پرتو ولایت، ۲۳). و نیز یکی از ویژگی‌های ممتاز اهل بیت (علیهم السلام) از نظر او این است که ایشان علاوه بر ارائه تفسیر صحیح آیات و تبیین آیات به واسطه ولایت تشریحی خود، اصول، قواعد و روش صحیح تفسیر و فهم قرآن را نیز به دانشمندان امت اسلامی آموزش دادند (همو، التفسیر و المفسرون، ۴۶۸/۱).

در توجیه این دوگانگی در تعبیر می‌توان گفت مؤلف در مقدمه تفسیر اثری، به جهت همراه ساختن دانشمندان اهل سنت - که عنایت ویژه‌ای به اخبار صحابه و تابعان دارند و برخی امامان معصوم را جزء صحابه و برخی را جزء تابعان می‌دانند - می‌خواهد روایات اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان اخبار صحابه یا تابعان در میان آنان نشر دهد. البته در تفسیر برخی آیات و هنگام بررسی روایات اهل بیت، دیدگاه واقعی خود را که مقام عصمت اهل بیت (علیهم السلام) و غیر قابل مقایسه بودن ایشان با صحابه است، گوشزد می‌کند.

پیشینه بهره‌گیری از اخبار تفسیری صحابه و تابعان در میان عالمان شیعه

با مراجعه به آثار دانشمندان شیعه به دست می‌آید که بهره‌گیری از اخبار صحابه و تابعان در تفسیر، پیشینه‌ای دیرینه دارد. در اینجا به چند نمونه از عملکرد مفسران شیعه اشاره می‌کنیم.

الف) امین‌الاسلام طبرسی در تفسیر عبارت ﴿يَوْمُنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (بقره/۳)، از تفسیر برخی صحابه و تابعان کمک می‌گیرد، و در مورد «غیب»، قول ابن مسعود و برخی صحابه که آن را عام دانسته و به معنای هرآنچه از بندگان مخفی است و به آن علم ندارند، برگزیده و روایات رسیده از معصومان (علیهم السلام) را از باب بیان مصداق می‌داند (طبرسی، ۱۲۱/۱). شیخ طوسی و فیض کاشانی نیز این عبارت را با تکیه بر اخبار تفسیری صحابه و تابعان معنا کرده‌اند (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۵۵/۱؛ فیض کاشانی، ۹۲/۱).



ب) شیخ طوسی برای تفسیر عبارت ﴿وَ اذْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ﴾ (بقره/۲۳)، به نقل قول ابن عباس، فراء، مجاهد و ابن جریر اکتفا می‌کند و از میان آنان، قول ابن عباس را قوی‌تر می‌شمرد (طوسی، التبیان، ۱/۱۰۴). جناب طبرسی نیز در توضیح آن تنها به نقل قول ابن عباس بسنده می‌کند (طبرسی، ۱/۱۵۷).

ج) شیخ طوسی، ابوالفتوح رازی و طبرسی در توضیح عبارت ﴿اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ اَسْتَرَوْا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰی﴾ (بقره/۱۶)، تنها به نقل و تحلیل اقوال تفسیری صحابه و تابعان بسنده کرده‌اند (طوسی، التبیان، ۱/۸۲؛ رازی، ۱/۲۹؛ طبرسی، ۱/۱۴۳).

بخش اول: بررسی رویکرد نظری استاد معرفت

آیت‌الله معرفت در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع» و در دیگر آثار خود، به خوبی رویکرد خود درباره حجیت اخبار تفسیری و به‌خصوص حجیت اخبار تفسیری صحابه و تابعان را تبیین کرده است. در این بخش سعی می‌شود دیدگاه‌های خاص وی درباره حدیث‌شناسی روایات تفسیری، به‌ویژه روایات تفسیری صحابه و تابعان تبیین شود.

۱. نقد محتوایی خبر واحد تفسیری، ملاک اصلی حجیت و پذیرش آن

روشن است که تفسیر پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام از قرآن حجت بوده، پیروی از آن بر هر مفسری لازم است، ولی آنچه مفسران با آن سروکار دارند، اخبار حاکی از اقوال معصومان است. از این‌رو جای پرسش است که آیا همه اخبار تفسیری رسیده از معصومان حجیت دارند؟ آیا معیار حجیت روایات رسیده از ایشان در تفسیر، همانند روایات رسیده از آنان در حوزه فقه است؟

آیت‌الله معرفت ملاک اصلی در حجیت خبر واحد در تاریخ و تفسیر را بررسی محتوایی آن به لحاظ سازگاری با محکقات قرآنی و دین می‌داند و تعیین ارزش خبر واحد در این دو شاخه را در درجه نخست با در نظر گرفتن خود متن روایت، صحیح می‌داند. از این‌رو بررسی سندی را دارای اهمیتی جانبی و در مرتبه بعد می‌شمارد (معرفت، التفسیر الاثری، ۱/۲۱۹؛ همو، التفسیر و المفسرون، ۲/۳۱). اما

اینکه وی با چه ملاکی چنین دیدگاهی دارد، نیازمند بیان نظر ایشان درباره تعریف تفسیر و فرق‌گذاری میان تفسیر و فقه است.

الف) تعریف تفسیر

استاد معرفت با تفکیک تفسیر از تأویل (معنای بطنی)، تفسیر مصطلح را مشتمل بر دو امر می‌داند: ۱- رفع ابهام لفظی یا معنوی از الفاظ و عبارات مبهم قرآن، ۲- دفع شبهه از آیات متشابه قرآن (همو، التفسیر الاثری، ۲۹/۱). با این بیان، علاوه بر اینکه تفسیر از ذکر معنای بطنی آیات جدا می‌شود، به معنای تبیین ناگفته‌های قرآن، تخصیص عمومات قرآن و تقیید مطلقات آن نیز نیست؛ زیرا این گونه امور تنها از راه دست یافتن به سنت صحیح معصومان قابل کشف است و مختص به پیامبر و اهل بیت اوست که دارای ولایت تشریحی هستند. بنابراین دیگران، حتی صحابه و تابعان، به این حوزه راه ندارند (همو، التفسیر و المفسرون، ۱۸۱/۱-۱۸۸ و ۶۶۴).
توجه به این تعریف از تفسیر و تفکیک آن از امور یاد شده موجب می‌شود تا نقش روایات تفسیری در نظر استاد معرفت آشکارتر و برخی ابهام‌ها و کج‌اندیشی‌ها در مورد آرای وی برطرف شود.

ب) فرق‌گذاری میان ملاک حجیت روایات فقهی با روایات تفسیری

پس از روشن شدن معنای تفسیر در نظر استاد معرفت، باید دانست که وی با تفکیک اخبار تفسیری از اخبار فقهی، بر این باور است که در اخبار تفسیری، بررسی محتوایی در درجه اول اهمیت قرار دارد و حدیث مأثور از پیامبر یا یکی از امامان معصوم علیهم السلام یا فردی از دانشمندان صحابه یا بزرگان تابعان، اگر شناخت ما را نسبت به موضوع آیه افزایش دهد یا ابهام موجود در لفظ قرآن یا معنای آیه را برطرف کند، همین ویژگی، گواه صدق و درستی آن حدیث است (همو، التفسیر الاثری، ۲۲۲/۱). بنابراین از دیدگاه او، ملاک حجیت و اعتبار روایات تفسیری که نقششان رفع ابهام از آیات است، نقد محتوایی خبر است، از این رو به صرف



گمان‌آور بودن یک خبر تفسیری و صحت سند آن، نمی‌توان آن را صحیح دانست و به‌کار گرفت.

۲. اعتبارسنجی روایات تفسیری صحابه و تابعان

در مطالب پیشین روشن شد که استاد معرفت تفسیر را صرفاً به معنای رفع ابهام از آیات و دفع شبهه از آنها دانسته، با تفکیک اخبار تفسیری از اخبار فقهی، ملاک اصلی برای پذیرش یا رد یک خبر تفسیری، حتی روایت تفسیری رسیده از معصومان را نقد محتوایی آن می‌داند. با توجه به این امور، می‌توان دیدگاه وی درباره حجیت اخبار تفسیری صحابه و تابعان را تبیین کرد.

الف) میزان اعتبار اخبار تفسیری صحابه و تابعان

استاد معرفت در مقدمه تفسیر اثری، روایات تفسیری صحابه را حجت می‌داند. مراد از روایات تفسیری صحابه، اعم از روایاتی است که به صورت مسند یا مرسل از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند، یا روایاتی که به ایشان ختم می‌شود و حاصل اجتهاد ایشان در تفسیر آیات است (همو، التفسیر الاثری، ۹۸/۱). البته باید توجه داشت که مؤلف، صحابی را غیر معصوم و دیدگاه‌های تفسیری آنان را قابل خطا می‌داند و در این باره می‌نویسد:

«این صحابه جلیل‌القدر مجتهدانی هستند که گاه خطا می‌کنند و دائماً همراه با

صواب و نظر درست نمی‌باشند، مگر آنکه معصوم باشند.» (همان، ۱۰۰)

با این وجود، وی حجیت آرای تفسیری تابعان را نمی‌پذیرد، بلکه تنها مطالعه نظرات تفسیری آنان را از باب بررسی و تحقیق در مسائل - و نه صرفاً تقلید و تعبد - امری ضروری می‌داند؛ زیرا آنان به زمان نزول قرآن نزدیک‌تر بوده و پای درس صحابه، تفسیر آموخته بودند؛ صحابه‌ای که از پیامبر اکرم ﷺ علم را فرا گرفته بودند (همان، ۱۲۰).

ب) صحابه پیامبر ﷺ

پس از آنکه دیدگاه استاد معرفت درباره حجیت روایات تفسیری صحابه بیان شد، حال نوبت آن است که دیدگاه وی درباره تعریف صحابه، شروط حجیت اخبار صحابه و تعیین مصادیق آن دانسته شود.

۱- تعریف صحابه

دانشمندان شیعه و اهل سنت تعریف‌های مختلفی درباره صحابه ارائه کردند. برخی از آنان در تعریف صحابه، به حداقل ارتباط هر شخص مسلمان با پیامبر ﷺ در زمان حیات ایشان بسنده می‌کنند و برخی معتقدند که اطلاق این عنوان تنها شایسته پیروانی است که همراهی طولانی با پیامبر داشته‌اند (ابوری، ۳۴۱؛ سبحانی، ۲۰۲/۱). ولی استاد معرفت به صرف همراهی طولانی در حال ایمان هم بسنده نکرده، اطلاق صحابه را تنها بر پیروان خاص و برجسته پیامبر ﷺ که تحت تربیت معنوی و علمی آن حضرت بوده‌اند، صادق می‌داند.

این تعریف از سویی شأنی بسیار بالا برای صحابه ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، به اندازه‌ای سخت‌گیرانه است که بسیاری از افراد که در دید دیگر اندیشمندان مسلمان جزء صحابه به‌شمار می‌آیند، بر اساس این تعریف، صحابه پیامبر شمرده نمی‌شوند. این عبارت به خوبی گویای دیدگاه سخت‌گیرانه استاد معرفت در تعریف صحابه است:

«صحابه، جمع صحابی، به‌معنای فرهیختگانی از شیفتگان فخر رسالت است که پروانه‌وار، شمع وجود آن حضرت را فرا گرفته بودند؛ شبانه‌روز از فیض برکات آن جناب بهره‌وافی می‌بردند؛ در یاری وی همواره کوشا بودند؛ تمام هستی خود را مخلصانه نثار مقدمش می‌کردند؛ در پرورش شجره طیبه اسلام و نشر و پخش تعالیم عالیه قرآن لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزیدند؛ همیشه بیدار و هوشیار بودند تا به بدنه این درخت برومند آسیبی نرسد. آنان نفس نفیس خود را بی‌دریغ در این راه بذل می‌کردند و هیچ‌گاه تعلل نمی‌کردند؛ در سختی‌ها و دشواری‌ها عقب نمی‌نشستند؛ برای تداوم و بارورتر شدن همیشگی اسلام



می‌کوشیدند و چون سپری آهتین، جلو هر گونه بدعت و ناروایی می‌ایستادند؛ گرچه به قیمت از دست دادن جانشان تمام می‌شد. صحابه، طبق این تعریف، کسانی بودند که بر اثر تربیت مستمر پیامبر اسلام ﷺ، مظهر خُلق و خوی آن حضرت گردیدند و جلوه‌گاه علم و حکمت و حامل رسالت جهانی اسلام شدند. صحابه پیامبر اسلام ﷺ، همانند حواریون حضرت مسیح علیه السلام، گروه خاصی بودند که جنبه اختصاصی نسبت به آن حضرت داشتند؛ از این رو همه اطرافیان و پیروان آن حضرت در مکه و مدینه، حتی کسانی که برای خدمات ساده در کنار حضرت بودند، صحابه شمرده نمی‌شوند؛ مگر آنکه در راه کسب معنویت از حضرت بودند و در این راه، با تمام توان می‌کوشیدند و در این کسب فرهیختگی تداوم داشتند.» (معرفت، صحابه از منظر اهل بیت علیهم السلام، ۲۶)

همچنین وی پس از تعریف صحابه، روایاتی از اهل بیت علیهم السلام نقل می‌کند که به شناخت ملاک‌های تشخیص صحابه و تعریف آن کمک می‌کند (همان، ۴۱-۵۵؛ همو، التفسیر الاثری، ۱/۱۰۱-۱۰۵). از جمله این ملاک‌ها و اوصاف این است که صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسانی هستند که بعد از پیامبر، به بدعت‌گذاری روی نیاوردند و از مسیر ایشان رویگردان نشدند (همان، ۱/۱۰۳) و در کتابی دیگر، پس از برشمردن مفسران صحابی و معرفی امام علی علیه السلام به‌عنوان اعلم مفسران، همراه و موافق بودن صحابه با علی علیه السلام را ملاک حق بودن و قابل پذیرش بودن سخنان و رفتارهای دیگر صحابه می‌داند (همو، التفسیر و المفسرون، ۱/۲۲۲ و ۲۲۳).

۲- دو شرط اعتبار اخبار تفسیری صحابه

با تعریفی که درباره صحابه ارائه شد، روشن است که صحابه افراد خاصی هستند که از مراتب بالای علمی و تقوایی برخوردارند. بر این اساس، به عقیده استاد معرفت، روایات تفسیری ایشان حجت است، البته به دو شرط: الف) صحت اسناد مطالب تفسیری منقول از صحابه، ب) قرار داشتن مفسر صحابی در زمره صحابیان طراز اول (همو، التفسیر الاثری، ۱/۹۸).

البته باید توجه داشت که چنان‌که پیش‌تر بیان شد، حجیت اخبار تفسیری نزد استاد معرفت در صورتی محقق خواهد شد که آن خبر مورد نقد محتوایی قرار گیرد و صرف بررسی سندی کافی نیست.

۳- دلیل حجت بودن اخبار و آرای تفسیری صحابه

با توجه به تعریف صحابه و شروط حجیت اخبار آنان، دلیل حجت دانستن اقوال و آرای آنان نزد استاد معرفت آشکار می‌شود؛ چرا که وی صحابه را منحصر در یاران بسیار نزدیک پیامبر ﷺ می‌داند که تحت تربیت ایشان بوده و از عدالت و جایگاه بالایی علمی برخوردارند. استاد معرفت در این باره می‌نویسد:

«پیامبر ﷺ آنان را به جهت نشر دین و گسترش معارف قرآنی، به صورت ویژه تربیت کرده و تمام مشکلات و معضلات تفسیری را به آنان تعلیم داده است. از سویی ایشان به جهت نزدیک بودن به زمان نزول آیات قرآن، احتمال فهم صحیحشان از لغات قرآن بیش از کسانی است که در زمان‌های بعد زندگی می‌کنند و آنان بر اسباب نزول داناتر از دیگرانند. همچنین عدالت آن صحابه بزرگوار اقتضا دارد سخن بدون علم نگویند و در صورت نقل کلامی از پیامبر ﷺ به صورت مسند یا مرفوع یا اجتهاد در فهم آیات، همان چیزی را به زبان آورند که از پیامبر ﷺ تعلیم دیده‌اند.» (همان، ۹۷)

۴- مصادیق صحابی طراز اول

چنان‌که بیان شد، استاد معرفت یکی از شروط پذیرش تفسیر صحابی را «صحابی طراز اول بودن» می‌داند. از این رو هنگام برشمردن صحابه طراز اولی که به عنوان مفسر شناخته شده باشند و روایات تفسیری قابل توجهی از ایشان نقل شده باشد، به چهار نفر می‌رسد که از غیر ایشان به ندرت روایات تفسیری نقل شده است:

«چهار تن از صحابه به تفسیر قرآن شهره بودند و از جهت جایگاه علم به معانی قرآن، پنجمی در رتبه ایشان وجود ندارد؛ که عبارت‌اند از: علی بن ابی



طالب رضی الله عنه - که سرآمد و داناترین آنهاست - عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب و

عبدالله بن عباس. «همان، ۹۸/۱؛ همو، التفسیر و المفسرون، ۲۱۰/۱»

بنابراین گرچه امثال سلمان، ابوذر و مالک اشتر جزء صحابه بزرگ بودند و استاد معرفت از آنها در آثار خود به عنوان صحابه بزرگ یاد می‌کند (ر.ک: همو، صحابه از منظر اهل بیت علیهم السلام، ۴۱-۴۳ و ۶۹-۷۲)، یا امثال ابوموسی اشعری و ابوهریره جزء کسانی هستند که روایات تفسیری از آنان نقل شده است، ولی گروه نخست به دلیل قلت یا نبود روایات تفسیری از ایشان، و گروه دوم به دلیل صحابه طراز اول نبودن، جزء صحابه دارای روایت تفسیری شمرده نشدند.

۳. معنای «حجیت» اخبار تفسیری نزد استاد معرفت

در علوم دینی، آن‌گاه که سخن از حجیت به میان می‌آید، دیدگاه اصولیان درباره معنای این اصطلاح، یعنی همان «منجزیت و معذریت»، به ذهن محققان متبادر می‌شود. این رویکرد غالب در بررسی حجیت روایات تفسیری نیز پژوهش‌های مفسران و قرآن‌پژوهان را جهت‌دهی کرده و به‌رغم تفاوت حوزه فقه با تفسیر، حجیت روایات تفسیری به همان معنای معذریت و منجزیت دانسته شده است.

برای شناخت دیدگاه استاد معرفت درباره حجیت روایات تفسیری، از جمله حجیت اخبار صحابه و تابعان، باید به این مطلب توجه داشت که وی به نکته‌ای ظریف در تفاوت میان حجیت در حوزه فقه و تفسیر توجه داشته است؛ نکته‌ای که دیدگاه او را در زمینه حجیت روایات تفسیری، با بسیاری از دیگر قرآن‌پژوهان متمایز می‌کند. برای روشن شدن دیدگاه وی درباره معنای حجیت اخبار تفسیری و وجه تمایز آن با دیگر آراء، ابتدا لازم است تا دیدگاه اندیشمندان درباره حجیت اخبار آحاد در تفسیر بیان شود؛ چرا که آنان در این بحث، مراد خود از حجیت را آشکار ساخته‌اند.

الف) دیدگاه دانشمندان درباره حجیت خبر واحد در تفسیر

در این باره دو دیدگاه اصلی و مشهور وجود دارد:

یکم: عدم حجیت خبر واحد در تفسیر

بزرگانی چون شیخ طوسی، آیت‌الله نائینی و علامه طباطبایی از طرفداران این قول هستند. دقت در سخن این بزرگان نشان می‌دهد که یا تفسیر را همچون حوزه اعتقادات، نیازمند علم و قطع دانسته، به دلیل ظن‌آور بودن خبر واحد، حجیت آن را در تفسیر زیر سؤال برده‌اند (طوسی، التبیان، ۶/۱؛ طباطبایی، ۳۵۱/۱۰)، یا همچون مرحوم نائینی، با تفکیک روایات به اخباری که دارای اثر شرعی هستند و غیر آن، ادله حجیت خبر واحد را صرفاً در حوزه مسائل فقهی حجت دانسته‌اند (نائینی، ۱۰۶/۲).

این تعبیر نشانگر آن است که این دسته از دانشمندان حجیت را به معنای معذرت و منجزیت دانسته، حجیت خبر واحد را که در علم اصول و در ارتباط با عمل و امور دارای اثر شرعی بررسی می‌شود، در مباحث تفسیری، تاریخی و اعتقادی که مربوط به باور و امور واقعی و خارجی است، غیر قابل قبول دانسته‌اند.

دوم: حجیت خبر واحد در تفسیر

آیت‌الله خویی اخبار واحد ظنی را در تفسیر، همچون فقه حجت می‌داند، با این توضیح که او ظنون معتبر را از باب تعبد شرعی و به حکم شارع، نازل منزله علم دانسته، تفکیک میان مسائل فقهی و مسائل ناظر به واقع (مانند تفسیر) را نادرست می‌داند؛ زیرا به نظر وی، حجیت اماره در علم اصول به این معناست که بنا به سیره عقلا، ظن معتبر به حکم شارع در حکم علم دانسته می‌شود. پس این ظن در واقع علم تعبدی به‌شمار می‌آید و در نتیجه، خبر واحد که ظنی و از امارات است، از افراد علم خواهد بود و تمام آثاری که بر خبر قطعی بار می‌شود و می‌توان بر اساس آن خبر داد، بر خبر ظنی معتبر نیز بار می‌شود (خویی، ۳۹۸).^۳

توجه به این دیدگاه نیز نشان می‌دهد که آیت‌الله خویی حجیت خبر واحد را به جهت «تعبد شرعی» قابل پذیرش می‌داند، و بازگشت این سخن به همان معنای



معذرت و منجزیت است؛ زیرا گرچه او حجیت خبر واحد را با سیره عقلا گره زده و آن را نازل منزله علم می‌داند، ولی «علم تعبدی» دانستن آن، معنایی جز معذر و منجز بودن حجیت اخبار تفسیری ندارد.

ب) دیدگاه آیت‌الله معرفت

آیت‌الله معرفت همچون آیت‌الله خویی، بر خلاف بسیاری از دانشمندان، حجیت خبر واحد در تفسیر را پذیرفته و پشتوانه آن را سیره عقلا می‌داند (معرفت، التفسیر الاثری، ۱۲۶/۱؛ همو، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۴۶). تفاوتی که دیدگاه ایشان با دیدگاه دیگر دانشمندان و به ویژه آیت‌الله خویی دارد، از دو جهت است:

نخست: متفاوت دانستن معنای حجیت در اخبار تفسیری و روایات فقهی

پیش‌تر بیان شد که حجیت در علم اصول ناظر به مسائل فقهی و به معنای معذرت و منجزیت در امور مربوط به عمل مکلف است. از این‌رو بزرگانی چون شیخ طوسی، مرحوم نائینی و علامه طباطبایی، خبر واحد تفسیری را که مربوط به حوزه عمل نیست، حجت ندانسته‌اند. اما استاد معرفت با جداسازی امور عملی و امور ناظر به واقع و خارج، حجیت در امور واقعی و خارجی را به معنای کاشفیت دانسته است؛ به این معنا که وقتی در فقه گفته می‌شود این روایت حجت است یا خیر، به این معناست که آیا این روایت نسبت به عمل مکلف، منجز و معذر است یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا وجود یک روایت در مسئله‌ای فقهی، موجب بار شدن حکم بر انجام یک عمل می‌شود؟ و آیا در صورت عمل مکلف بر اساس آن روایت، مکلف معذور است؟ ولی هنگامی که در تفسیر، تاریخ یا اعتقادات گفته می‌شود که آیا این روایت حجت است یا خیر، به این معناست که آیا این روایت کاشف از معنای آیه هست؟ یا آیا این روایت اثبات‌کننده این مطلب معرفتی و اعتقادی هست؟ (همو، التفسیر الاثری، ۱۲۶/۱؛ همو، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۴۵). بنابراین از آنجا که استاد معرفت تفسیر را مربوط به کشف واقع می‌داند، حجیت بودن خبر واحد در تفسیر را نیز به معنای کاشفیت آن از واقع معنا می‌کند.

دقت در معنای خبر و کارکرد عرفی آن نشان‌دهنده ماهیت کاشفیت آن از واقع است؛ زیرا کاربرد خبر در عرف عقلا برای کشف از واقع است. از این رو هر خبری در صدد بیان یک واقعیت است و آن‌گاه که گوینده آن عادل و ثقه باشد، اصل آن است که این خبر، صادق باشد.

این تفکیک دقیق استاد معرفت میان اخبار تفسیری - که ماهیت خبری دارند و بیانگر معنای واقعی آیات قرآن هستند - و اخبار فقهی - که مربوط به عمل مکلفان است و به جهت انشایی بودن، جنبه کاشفیت از واقع در آن لحاظ نمی‌شود - موجب شده تا وی دیدگاهی نو و متفاوت از دیگر دانشمندان ارائه کند.

دوم: حجیت اخبار تفسیری بر اساس علم وجدانی، نه علم تبعدی

استاد معرفت پس از نقل و توضیح حجیت خبر واحد از دیدگاه آیت‌الله خویی، این اشکال را بر او وارد می‌کند که سیره عقلا به تنهایی، یگانه پشتوانه حجیت خبر واحد در تفسیر است، نه اینکه به‌عنوان علم تبعدی، حجت باشد. به عبارت دیگر، بر خلاف آیت‌الله خویی که حکم شارع را دلیل بر نازل منزله علم شدن خبر واحد ظنی دانسته، و پس از آن سیره عقلا را وارد کرده و می‌گوید سیره عقلا چنین است که علم تبعدی را نیز همچون علم وجدانی، کاشف از واقع می‌داند، می‌گوید ابتدائاً سیره عقلا چنین است که ظن معتبر را کاشف از واقع می‌دانند، ولی این سیره، توسط امامان معصوم تأیید و امضا شده است. به عبارت دیگر، استاد معرفت خبر واحد را از جهت کاشفیت آن از واقع حجت می‌داند و قرار دادن دلیل علمی به جای علم را بر حسب اعتبار عقلا می‌داند، نه اینکه عقلا در اعتنا به این گونه اخبار، تعبد محض داشته باشند (معرفت، التفسیر الاثری، ۱۲۶/۱؛ همو، کاربرد حدیث در تفسیر، ۱۴۵).

استاد معرفت با توجه به دو مطلب فوق، یعنی کاشف از واقع بودن خبر تفسیری و غیر تبعدی بودن حجیت آن، قائل است که تفکیک میان اقسام خبر از این جهت نادرست است؛ یعنی نمی‌توان برخی اقسام خبر واحد تفسیری را حجت دانست و برخی را حجت ندانست. به عبارت دیگر، اگر همچون شیخ طوسی و دیگران، این گونه اخبار را حجت ندانیم، نه خبر تفسیری رسیده از اهل بیت (علیهم السلام)



حجت است، و نه خبر رسیده از صحابه. و اگر خبر واحد فی نفسه دارای کاشفیت از واقع است و حجت می‌باشد، نمی‌توان میان خبر واحد اهل بیت علیهم‌السلام و غیر ایشان تفاوت گذاشت و خبر صحابه را حجت ندانست؛ زیرا وقتی حجیت را به معنای کاشفیت از واقع دانسته و آن را غیر تعبدی دانستیم، پس هر خبری که از شخص معتبر که عادل و ثقه باشد، به ما برسد، می‌تواند کاشف از واقع و بیانگر تفسیر آیه باشد؛ حال چه آن شخص، اهل بیت علیهم‌السلام باشند یا صحابه طراز اول. البته باید به این مطلب توجه داشت که چنان‌که پیش‌تر بیان شد، ایشان راه تشخیص حجیت روایات تفسیری را نقد محتوایی می‌داند، بنابراین هر خبر تفسیری که از معصومان یا صحابه رسیده باشد، هنگامی حجیت دارد که گرهی از ابهام آیه برطرف کند یا شبهه‌ای از آیه را بزدايد.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از تحلیل رویکرد نظری آیت‌الله معرفت

برای رسیدن به یک جمع‌بندی برای آگاهی از دیدگاه نهایی استاد معرفت درباره حجیت اخبار تفسیری صحابه و تابعان در مقایسه با روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، ابتدا مروری بر مطالب پیش‌گفته داریم:

- برای تفسیر آیات قرآن، ارزش منابع تفسیری به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: آیات قرآن، روایات تفسیری پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، روایات تفسیری صحابه طراز اول. البته علاوه بر این سه دسته روایات، روایاتی نیز از تابعان به ما رسیده که به نظر استاد معرفت حجیت ندارند، ولی منبع ارزشمندی برای رجوع هستند.

- ملاک اصلی در پذیرش روایات تفسیری، بررسی محتوایی روایات و عرضه آنها به قرآن است.

- اهل بیت علیهم‌السلام دارای مقام عصمت هستند و به این دلیل، در جایگاهی بالاتر از صحابه طراز اول قرار دارند، ولی امکان خطا در روایات و آرای صحابه منتفی نیست. - تنها اخبار تفسیری آن دسته از صحابه حجیت دارد که جزء صحابه طراز اول باشند و پس از رحلت پیامبر نیز از خط ولایت اهل بیت علیهم‌السلام منحرف نشده باشند و روایت آنان از طریق صحیح و موثق به ما رسیده باشد.

- حجیت در روایات تفسیری، بر خلاف روایات فقهی، به معنای کاشفیت از واقع در مورد معنای آیات قرآن است.

- تمسک به اخبار تفسیری صحابه و تابعان در آثار مفسران بزرگ شیعه، همچون شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی و دیگران، دارای سابقه دیرینه است.
- مؤلف در تفسیر اثری گاه اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان صحابه خاص یا تابعان معرفی می‌کند، اما در موارد متعدد، رتبه عصمت و جایگاه علمی الهی ایشان را گوشزد می‌کند.

با توجه به جمع‌بندی ذکر شده، نتایج زیر از تحلیل رویکرد نظری استاد معرفت در *التفسیر الاثری الجامع* و دیگر آثار وی به دست می‌آید:

۱- در صورت تعارض میان آیات قرآن و روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام)، تقدم با آیات قرآن است؛ زیرا قاعده عرضه روایات به قرآن چنین اقتضا می‌کند. همچنین در صورت تعارض روایات تفسیری صحابه و تابعان با روایات اهل بیت (علیهم السلام)، روایات تفسیری اهل بیت تقدم دارد؛ زیرا اولاً ایشان از مقام عصمت برخوردارند، ثانیاً یکی از شروط پذیرش روایات تفسیری صحابه و نیز تابعان، عدم انحراف از اهل بیت (علیهم السلام) است. بنابراین از دیدگاه آیت‌الله معرفت، گرچه روایات تفسیری صحابه حجیت داشته و قابلیت کشف از معنای آیات را دارد، ولی برای معتبر بودن، باید صحیح‌السند باشند، در عرضه به قرآن و نقد محتوایی، قابل پذیرش باشند، و به دلیل هم‌رتبه نبودن با روایات اهل بیت، در صورت تعارض احتمالی، روایات اهل بیت (علیهم السلام) بر آنها ترجیح دارد.

۲- با توجه به معنایی که استاد معرفت از حجیت در روایات تفسیری ارائه می‌کند (یعنی کاشفیت از واقع)، رتبه‌مند بودن روایات تفسیری به نسبت اینکه از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده باشند یا از صحابه و تابعان، کاملاً معنادار است؛ زیرا گرچه هر روایت تفسیری به لحاظ اینکه خبر است، معنای کاشفیت در آن نهفته است، ولی معصوم بودن ناقل آن در روایات تفسیری اهل بیت، در صد واقع‌نمایی خبر را



بالا می‌برد و در نتیجه اخبار تفسیری صحابه و تابعان، از کاشفیت کمتری برخوردار بوده، قابل تعارض با روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیست.

۳- با در نظر گرفتن تعریفی که استاد معرفت از صحابه ارائه می‌کند، و با لحاظ حصر مصادیق آنان به پیروان بسیار بزرگی که حتی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مسیر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام منحرف نشده‌اند، می‌توان برداشت کرد که دوگانگی تعبیر مرحوم معرفت درباره اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر اثری، دلیلی ترویجی دارد؛ به این معنا که دیدگاه اصلی استاد به‌عنوان یک عالم شیعه، همان عصمت و جایگاه الهی ایشان است، ولی در تعابیری، اهل بیت علیهم‌السلام را به‌عنوان یک صحابی یا تابعی معرفی می‌کند تا اهل سنت را بر اساس مبنای کلامی و حدیثی خودشان، متقاعد به مطالعه و پذیرش روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام کند. این رویکرد شاید همان روشی باشد که شیخ طوسی و امین‌الاسلام طبرسی در تفسیر خود، به‌صورت عملی به‌کار گرفته‌اند.

بخش دوم: بررسی رویکرد عملی استاد معرفت در «التفسیر الاثری الجامع»

پس از بررسی رویکرد نظری استاد در اخبار تفسیری صحابه و تابعان، فرضیه‌هایی به‌عنوان نتایج مباحث بخش نخست مطرح شد. حال در این بخش فارغ از اینکه وی در مباحث نظری چه دیدگاهی درباره تفسیر صحابه و تابعان دارد، برای روشن‌تر شدن ابعاد مسأله، رویکرد عملی وی در تفسیر بررسی می‌شود؛ کاری که در پژوهش‌های پیشین انجام نشده است. با این کار، فرضیه‌های مطرح شده مورد سنجش قرار می‌گیرد و روشن خواهد شد که اولاً آیا ایشان در مقام عمل، روایات صحابه را حجت می‌دانند؟ ثانیاً بر فرض حجت دانستن، چه میزان و در چه حیطه‌هایی برای اخبار تفسیری صحابه و تابعان اعتبار قائل است؟ ثالثاً آیا به‌استثنای آنچه در مقدمه تفسیر اثری فرمودند، هدف دیگری نیز از گردآوری اخبار تفسیری صحابه و تابعان در کنار روایات اهل بیت علیهم‌السلام داشته‌اند؟

لازم به ذکر است که به دلیل حجم زیاد تفسیر اثری جامع، برای دستیابی به این هدف، گزارش اجمالی دو جلد نخست تفسیر اثری کافی دانسته شد و در دستور

کار قرار گرفت. همچنین برای طولانی نشدن نوشتار، تنها تفسیر سوره حمد (جلد ۱) به صورت مبسوط گزارش می‌شود و پس از آن، تفسیر سوره بقره (جلد ۲) به صورت خلاصه ارائه می‌شود. از این رو ابتدا عملکرد تفسیری مفسر محترم در تمامی آیات تفسیر شده در این دو جلد گزارش، و پس از آن، نتیجه‌گیری آماری و محتوایی صورت می‌گیرد.

الف) گزارش اجمالی تفسیر سوره حمد (جلد ۱)

عملکرد تفسیری استاد معرفت در چگونگی به‌کارگیری روایات تفسیری صحابه و تابعان در مقایسه با روایات اهل بیت (علیهم السلام) در سوره حمد به شرح زیر است:

۱- مفسر در تفسیر آیه اول ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، نخست دیدگاه نهایی خود درباره معنای واژه «حمد» و تفاوتش با «شکر» را بیان می‌کند (التفسیر الاثری، ۳۶۲/۱)، سپس روایات معصومان و صحابه و تابعان را درباره آن می‌آورد (۳۶۳/۱). ولی با توجه به اینکه در برخی روایات اهل بیت (علیهم السلام)، «حمد» مترادف «شکر» دانسته نشده (۳۷۰/۱)، سعی دارد این تفاوت را در معنای برگزیده تفسیری خود آشکار کند. از این رو در تفسیر این واژه، با رد طبری - که حمد و شکر را یکی دانسته - از میان قول تابعان (ابن عطیه)، نقدی بر تفسیر طبری وارد می‌کند و برتری احتمال تفسیری برگرفته از روایات معصومان را به اثبات می‌رساند (۳۶۴/۱).

۲- در بیان معنای واژه «العالمین» و اینکه مراد از آن در آیه چیست، ابتدا با توجه به روایت امام صادق (علیه السلام) و تحلیل لغوی راغب اصفهانی، ثابت می‌کند که مراد از آن، صنوف مردم است، نه عوالم متعدد (۳۶۳/۱ و ۳۷۳). سپس روایات زیادی از صحابه و تابعان از طریق اهل سنت نقل می‌کند که همگی مؤید این تفسیر است (۳۷۳/۱). در ادامه روایات دیگری از اهل بیت (علیهم السلام) می‌آورد که برخی مؤید و برخی معارض با این تفسیر است، ولی روایات معارض را موضوع یا مجعول می‌داند (۳۷۷/۱).



۳- در آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ ابتدا تفسیری ارائه می‌کند و دو روایت از اهل بیت علیهم‌السلام در تأیید آن نقل می‌کند (۳۷۹/۱). سپس روایات دیگری از اهل بیت علیهم‌السلام و نیز روایاتی از صحابه و تابعان می‌آورد که همگی مؤید این تفسیر است (۳۷۰/۱).
۴- در تفسیر ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ ابتدا تفسیری از آیه ارائه می‌دهد (۳۸۱/۱). سپس دو روایت از اهل بیت علیهم‌السلام در تأیید این تفسیر می‌آورد (۳۸۲/۱). پس از آن دو روایت از سدّی و ضحاک نقل می‌کند که احتمال خلاف در آنها می‌رود (۳۸۲/۱)، از این رو دو احتمال در معنای این روایات از ابوالفتح رازی نقل می‌کند که در یکی، همان تفسیر برگزیده برداشت می‌شود (۳۸۲/۱). سپس روایات زیادی از صحابه و تابعان و نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که در آن، صراط به معنای اسلام، دین، راه مؤمنان و کتاب الله دانسته شده است (۳۸۴/۱) و برای ورود به دیگر روایات مورد نظر خود که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده و صراط را بر اهل بیت علیهم‌السلام حمل کرده‌اند، دو روایت از طبری و عیاشی نقل می‌کند که صراط مستقیم را به معنای صراط انبیا دانسته‌اند (۳۸۶/۱). و در نهایت روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه و تابعان نقل می‌کند که صراط مستقیم را به طور خاص بر امام علی علیه‌السلام یا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او حمل کرده‌اند (۳۸۸/۱). آیت‌الله معرفت روایات دسته اخیر را متظافر می‌داند که اجماع دانشمندان شیعه و سنی بر نقل آنهاست. از این رو تنها روایت نقل شده از اهل سنت را که صراط مستقیم را بر پیامبر و دو خلیفه نخست اهل سنت تطبیق کرده، علاوه بر تضعیف سندی در پاورقی، به دلیل مخالفت با اجماع، نادیده می‌گیرد (۳۹۰/۱).

در واقع مفسر در تفسیر این آیه، بدون رد مستقیم قول اهل سنت، تنها با نقل و چینش صحیح روایات فریقین، قول مخالف اهل بیت علیهم‌السلام را غیر قابل پذیرش و مخالف اجماع دانسته است. و از سویی سعی می‌کند تا ابتدا از خود اهل سنت، همچون طبری، شواهدی گرد آورد که تفسیر صراط مستقیم بر افراد خاص، بدون اشکال است. سپس با نقل چندین روایت از صحابه و تابعان و اهل بیت علیهم‌السلام، ثابت می‌کند که این افراد خاص، همان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او هستند.

۵- در تفسیر ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...﴾ ابتدا روایات زیادی از پیامبر ﷺ، صحابه و تابعان، از منابع اهل سنت نقل می‌کند که مراد از ﴿الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ را نبیون، مسلمون و ... دانسته‌اند (۳۹۲/۱). سپس روایات زیادی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل می‌کند که مراد از آن، علی (علیه السلام) است، و در برخی از آنها، مراد از ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ و ﴿الضَّالِّينَ﴾ کسانی هستند که معرفت به امام ندارند. در نهایت می‌کوشد تا به طریق استدلالی، از این روایات در جهت اثبات تفسیر ارائه شده در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بهره برد (۳۹۶/۱).

جمع‌بندی آماری از تفسیر سوره حمد

با توجه به گزارش بالا درباره عملکرد تفسیری سوره حمد، مفسر در هفت مورد، عبارات آیات سوره را با محوریت روایات اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر می‌کند و به دفاع از دیدگاه شیعه می‌پردازد و در دو مورد، به طور مستقیم، اخبار صحابه و تابعان را رد می‌کند.

ب) گزارش اجمالی تفسیر آیات ۱ تا ۶۶ سوره بقره (جلد ۲)

در گزارش جلد دوم تفسیر اثری، سعی می‌شود برای رعایت اختصار، با توجه به نوع به‌کارگیری روایات صحابه و تابعان در تفسیر، عملکرد تفسیری مفسر تحت چند عنوان دسته‌بندی شود.

۱. ترجیح روایات تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) بر اخبار صحابه و تابعان

استاد معرفت در تفسیر برخی آیات یا طرح برخی مباحث متناسب با آیات قرآن، روایات اهل بیت (علیهم السلام) را محور قرار می‌دهد و در مقابل، گاه اخبار صحابه و تابعان را به دلیل ناسازگاری با این روایات، یک‌سر کنار می‌گذارد، یا آنها را در ذیل روایات اهل بیت (علیهم السلام) و در جهت تقویت و تأیید آنها به‌کار می‌گیرد. گزارش این قسم به شرح زیر است:^۴



- ۱- قسمت عمده تفسیر آیه ۲۱؛ (التفسیر الاثری، ۱۸۷/۲ و ۲۱۷-۲۱۸؛ روایات: ۲۱۹-۲۱۱/۲، ش ۵۸۳-۵۹۰ و ش ۵۹۷ و ۶۰۵).
- ۲- تفسیر عبارت ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ... يُوقِنُونَ﴾ در آیه ۴ (۵۴-۵۵؛ روایات: ۱۱۲/۲، ۲۸۳ و ۲۸۴).
- ۳- تفسیر آیه ۷ (۱۲۰-۱۲۲/۲؛ روایت: ۱۲۴/۲، ش ۳۰۵).
- ۴- تفسیر آیه ۱۶ (۱۵۸/۲؛ روایت: ۱۶۳/۲، ش ۴۵۴).
- ۵- تفسیر عبارت ﴿وَوَرَّكُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ﴾ از آیه ۱۷ (۱۶۵/۲؛ روایت: ۱۶۹/۲، ش ۴۷۸).
- ۶- تفسیر عبارت ﴿مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا﴾ از آیه ۲۳ (۱۸۸/۲ و ۲۲۸؛ روایت: ۲۲۷/۲، ش ۶۵۱).
- ۷- تفسیر عبارت ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَغُوضَةً﴾ از آیه ۲۶ (۲۶۶-۲۶۵؛ روایت: ۲۷۵/۲، ش ۸۲۴ و ۲۷۶/۲، ش ۸۲۸).
- ۸- تفسیر آیه ۲۸ (۲۹۱/۲-۲۹۵؛ ۲۹۱/۲، ش ۸۶۳ و ۸۶۴).
- ۹- تفسیر عبارت ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ در آیه ۳۰ (۳۳۸-۳۳۹؛ روایت: ۴۰۶/۲، ش ۱۰۳۶؛ ۴۰۸/۲؛ ۴۰۹/۲، ش ۱۰۴۴ و ۱۰۴۵).
- ۱۰- تفسیر عبارت ﴿إِلَّا ابليسُ أبى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ از آیه ۳۴ (۴۳۷-۴۳۸؛ روایت: ۴۲۸/۲-۴۳۰، ش ۱۱۳۴-۱۱۳۹).
- ۱۱- تفسیر عبارت ﴿لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ در آیه ۳۵ (۴۴۹/۲؛ روایت: ۴۴۰/۲).
- ۱۲- بحثی با عنوان «فی حقیقه الایمان» (۱۰۱-۶۹/۲).
- ۱۳- بحثی با عنوان «مسأله الهدایة و التوفیق» (۱۱۵-۱۱۹).
- ۱۴- بحثی با عنوان «وجوه الکفر» (۱۲۷-۱۳۱).
- ۱۵- بحثی در رابطه با نفاق (۱۳۵-۱۳۹).
- ۱۶- بحثی با عنوان «الباب ما ورد عن ائمه اهل البيت بشأن الرياء» (۱۴۲-۱۴۸).
- ۱۷- بیان دیدگاه مکتب شیعه درباره صفت قدرت، ذیل فقره ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ از آیه ۲۰ (۱۸۳-۱۸۴).

- ۱۸- دفع یک شبهه از شیعه ذیل آیه ۲۶ درباره «بعوضه» (۲۷۷/۲).
- ۱۹- مبحثی با عنوان «کلام عن أصالة الاباحه» (۲۹۷/۲-۳۰۲).
- ۲۰- توضیح روایات اهل بیت (علیهم السلام) درباره طینت (۳۷۴/۲-۳۹۱).
- ۲۱- در مبحثی ذیل عنوان «ما كان جنة آدم؟» (۴۴۷/۲-۴۴۸).
- ۲۲- طرح بحثی با عنوان «ارادة تشریح و ارادة تکوین» ذیل آیه ۳۶ (۴۷۳/۲-۴۷۵).
- ۲۳- توضیح روایات اهل بیت (علیهم السلام) درباره چیستی «کلمات» در آیه ۳۷ (۵۰۶/۲-۵۱۰).

۲. نادیده گرفتن روایات صحابه و تابعان در تفسیر آیات

همان گونه که پیشتر بیان شد، آیت‌الله معرفت به صرف نقل یک روایت از صحابه و تابعان، به‌کارگیری آنها را در تفسیر جایز نمی‌داند. در همین راستا ایشان در موارد زیادی با وجود نقل روایات صحابه و تابعان، آنها را نادیده گرفته، در تفسیر آیه از آنها بهره نمی‌برد. این دست روایات خود بر دو گونه‌اند. در برخی موارد، مفسر تفسیری ارائه می‌دهد یا اظهار نظری در توضیح آیه می‌کند که مطابق با اخبار نقل شده از صحابه و تابعان نیست. و در برخی موارد، روایات صحابه و تابعان را نقل می‌کند، ولی تفسیری غیر مطابق با آنها ارائه نمی‌کند، بلکه صرفاً بدون هیچ اظهار نظری از کنار آنها می‌گذرد و آنها را در تفسیر خود به‌کار نمی‌گیرد. در اینجا به تفسیرهای ارائه شده به این دو صورت اشاره می‌شود.

الف) ارائه تفسیری غیر مطابق با اخبار صحابه و تابعان

- ۱- تفسیر ﴿يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ در آیه ۳ (۵۲/۲).
- ۲- توضیح آیات ۱۱ و ۱۲ (۱۵۳/۲-۱۵۴).
- ۳- ذیل آیه ۱۹ و تحت دو عنوان «حدیث مفتوی» و «مخاریق هزیله» (۱۷۶/۲-۱۸۹).
- ۴- بررسی ملاک آیات و سوره‌های مکی و مدنی (۲۱۲/۲-۲۱۳).
- ۵- در تحلیل چیستی باران، ذیل فقره ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ از آیه ۲۲ (۱۸۷/۲؛ روایت: ۲۲۱/۲-۲۲۳).
- ۶- ذیل عبارت ﴿وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ﴾ از آیه ۲۵ (۲۴۹/۲-۲۵۶ و ۲۶۰).



- ۷- ذیل عبارت ﴿وَتَحْنُ تُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ﴾ در آیه ۳۰ (۴۰۶۳۹۱/۲).
- ۸- رد یک روایت تابعی ذیل آیه ۳۲ (۴۲۱/۲، ش ۱۰۹۶).
- ۹- ذیل آیه ۳۲، تحت عنوان «مِمَّ خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ وَالْجِنُّ وَ سَائِرُ الْحَيَوَانَ» (۴۲۲/۲ و ۴۲۴).
- ۱۰- رد دو روایت از کعب قرظی و ابن عباس ذیل آیه ۳۴ (۴۳۶/۲-۴۳۷).
- ۱۱- نقل و رد چند روایت از صحابه و تابعان ذیل عبارت ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ در آیه ۳۵ (۴۴۲/۲-۴۴۴).
- ۱۲- اسرائیلی دانستن روایاتی از صحابه و تابعان درباره آیه ۳۶ (۶۱/۲)، پاورقی ۱ و ۴۶۵/۲، پاورقی ۳.
- ۱۳- توضیح ﴿وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾ در آیه ۳۶ (۴۷۵/۲-۴۷۸).
- ۱۴- غیر قابل قبول دانستن برخی روایات صحابه و تابعان ذیل آیه ۳۶ (۴۹۱/۲).
- ۱۵- تفسیر عبارت ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ﴾ در آیه ۴۰ (۵۲۲/۲).
- ۱۶- تفسیر آیه ۴۲ (۵۲۳/۲).
- ۱۷- رد یک روایت از صحابی ذیل آیه ۴۵ (۵۵۴/۲-۵۵۵، ش ۱۶۵۳).
- ۱۸- توضیح عبارت ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ در آیه ۳ (۵۲/۲-۵۴).
- ۱۹- توضیح واژه «مَطَهَّرَه» در آیه ۲۵ (۲۵۶/۲-۲۵۸).
- ۲۰- تفسیر عبارت ﴿الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ... أَنْ يُوصَلَ﴾ در آیه ۲۷ (۲۶۶/۲-۲۹۰).
- ۲۱- ذیل عبارت ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ در آیه ۲۹ (۳۰۳/۲-۳۰۴).
- ۲۲- تفسیر آیه ۳۰ (۳۴۳/۲-۳۴۴).
- ۲۳- ذیل آیه ۳۵ و تحت بحثی با عنوان «ماذا كانت الشجرة المنهية؟» (۴۵۶/۲).
- ب) نقل اخبار صحابه و تابعان بدون اظهار نظر یا به کارگیری در تفسیر
- ۲۴- ذیل آیه ۴ درباره تقسیم مؤمنان به دو گروه (۱۱۳/۲-۱۱۴، ش ۲۸۸-۲۹۱).
- ۲۵- ذیل عبارت ﴿فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ در آیه ۱۰ (۱۵۰/۲-۱۵۳).
- ۲۶- ذیل عبارت ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ﴾ در آیه ۱۵ (۱۶۱/۲-۱۶۲).

- ۲۷- تفسیر آیه ۱۹ (۱۷۶-۱۷۰/۲).
- ۲۸- تفسیر آیه ۲۰ (۱۸۳-۱۸۰/۲).
- ۲۹- توضیح عبارت ﴿وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾ از آیه ۲۳ (۲۳۰-۲۲۹/۲).
- ۳۰- تفسیر آیه ۲۴ (۲۳۴-۲۳۰/۲).
- ۳۱- ذیل عبارت ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ از آیه ۲۵ (۲۳۵/۲).
- ۳۲- ذیل آیه ۲۵، تحت دو عنوان «فی بناء الْجَنَّةِ» و «فی أرض الجنة» (۲۴۱-۲۳۷/۲).
- ۳۳- توضیح عبارت ﴿تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ در آیه ۲۵ (۲۴۴-۲۴۱/۲).
- ۳۴- ذیل عبارت ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ در آیه ۲۷ (۲۹۰/۲).
- ۳۵- ذیل آیه ۲۹ (۲۹۷-۲۹۶/۲).
- ۳۶- ذیل آیه ۳۶ در بحثی با عنوان «کم لبث آدم فی الجنة؟» (۴۶۸-۴۶۶/۲).
- ۳۷- ذیل آیه ۳۶ در بحثی با عنوان «هل كانت خطيئة آدم بتقدير من الله؟» (۴۶۹-۴۶۸/۲).
- ۳۸- در توضیح آیه ۳۶ و ذیل مباحث جنبی درباره هبوط آدم، کنیه آدم و ... (۴۹۶-۴۷۸/۲).
- ۳۹- ذیل عبارت ﴿وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ در آیه ۳۶ (۴۹۷-۴۹۶/۲).
- ۴۰- ذیل آیه ۳۷ در توضیح واژه «کلمات» (۵۰۶-۵۰۰/۲ و ۵۱۰-۵۱۵).
- ۴۱- ذیل عبارت ﴿فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ در آیه ۳۸ (۵۱۹/۲).
- ۴۲- تفسیر آیه ۳۹ (۵۲۰-۵۱۹/۲).
- ۴۳- درباره عبارت ﴿أَذْكُرُوا نِعْمَتِي﴾ در آیه ۴۰ (۵۲۸-۵۲۷/۲).
- ۴۴- درباره عبارت ﴿وَإِنِّيَ فَارِهِبُونَ﴾ در آیه ۴۰ (۵۳۱/۲).
- ۴۵- ذیل تفسیر آیه ۴۴ (۵۴۵-۵۳۹/۲).
- ۴۶- تفسیر آیه ۴۵ (۵۵۸-۵۴۵/۲).
- ۴۷- تفسیر آیه ۴۶ (۵۶۰-۵۵۹/۲).



۳. عمل به روایات صحابه و تابعان در فقدان روایت از اهل بیت علیهم السلام

در تفسیر برخی آیات روایتی از معصومان نرسیده، ولی روایات صحابه و تابعان از شرایط صحت برخوردارند و گره از مشکلات تفسیری می‌گشایند. در این موارد آیت‌الله معرفت از آنها در تفسیر آیات بهره می‌گیرد. در اینجا به این دسته از اخبار صحابه و تابعان در جلد دو تفسیر اثری اشاره می‌شود.

- ۱- تقسیم‌بندی ۲۰ آیه نخست سوره بقره بر اساس رأی مجاهد و مقاتل (۴۵/۲-۴۶).
- ۲- بیان مراد از ﴿لَارِيبَ فِيهِ﴾ در آیه ۲ (۴۶/۲).
- ۳- تفسیر قسمت‌هایی از آیه ۶ (۱۲۰/۲-۱۲۲)؛ روایت: ۱۲۴-۱۲۳/۲، ش ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۲-۳۰۴).
- ۴- توضیح آیه ۸ (۱۳۲/۲-۱۳۳)؛ روایت: ۱۳۴/۲-۱۳۵، ش ۳۲۵-۳۲۹ و ۳۳۱).
- ۵- توضیح عبارت ﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ در آیه ۱۰ (۱۵۰/۲).
- ۶- تفسیر آیه ۱۳ (۱۵۶/۲)؛ روایت: ۱۵۶/۲-۱۵۷، ش ۴۱۵ و ۴۱۸).
- ۷- تفسیر آیه ۱۴ (۱۵۷/۲)؛ روایت: ۱۵۸/۲-۱۶۱، ش ۴۱۹-۴۲۲ و ۴۲۴ و ۴۳۳ و ۴۳۵).
- ۸- توضیح عبارت ﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا... بَنُورِهِمْ﴾ در آیه ۱۷ (۱۶۵/۲)؛ روایت: ۱۶۶/۲-۱۶۹، ش ۴۶۳-۴۶۷ و ۴۷۷-۴۷۲).
- ۹- تفسیر دو فقره ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ در آیه ۲۱ (۲۱۱/۲)، ش ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۲۱۷/۲، ش ۶۰۰-۶۰۳).
- ۱۰- تفسیر فقره ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً﴾ در آیه ۲۲ (۱۸۷/۲)؛ روایت: ۲۱۹/۲-۲۲۰، ش ۶۰۶-۶۱۱).
- ۱۱- توضیح فقره ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ در آیه ۲۲ (۱۸۸/۲).
- ۱۲- تفسیر فقره ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ﴾ در آیه ۲۳ (۱۸۸/۲).
- ۱۳- توضیح عبارت ﴿فَاتَّوَا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ﴾ از آیه ۲۳ (۱۸۸/۲)؛ روایت: ۲۲۸/۲ و ۲۲۹).

- ۱۴- تفسیر عبارت ﴿كَلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا ... مِنْ قَبْلُ﴾ در آیه ۲۵ (۱۹۰/۲)؛ روایت: ۲۴۴/۲-۲۴۵، ش ۷۲۷-۷۳۴).
- ۱۵- تفسیر فقره ﴿وَ اتُوا بِهِ مَثَابَهَا﴾ در آیه ۲۵ (۱۹۰/۲)؛ روایت: ۲۴۸/۲-۲۴۹، ش ۷۵۲-۷۵۷).
- ۱۶- تفسیر عبارت ﴿فَمَا فَوْقَهَا﴾ در آیه ۲۶ (۲۷۷/۲)؛ ش ۸۳۱).
- ۱۷- تفسیر فقره ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ در آیه ۲۶ (۲۶۴/۲).
- ۱۸- توضیح عبارت ﴿يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ در آیه ۲۶ (۲۶۵/۲).
- ۱۹- تفسیر عبارت ﴿وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ﴾ در آیه ۲۷ (۲۶۶/۲).
- ۲۰- تفسیر عبارت ﴿وَ إِذِ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ در آیه ۳۰ (۳۳۷/۲-۳۳۸؛ ۳۵۲/۲).
- ۲۱- توضیح عبارت ﴿أَتَّبِعُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ در آیه ۳۱ (۳۳۹/۲).
- ۲۲- توضیح واژه «سبحانک» در آیه ۳۲ (۳۴۰/۲)؛ روایت: ۴۲۲/۲، ش ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸).
- ۲۳- تفسیر فقره ﴿وَ إِذِ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ﴾ در آیه ۳۴ (۴۲۴/۲)؛ روایت: ۴۲۵/۲، ش ۱۱۱۲-۱۱۱۷؛ ۴۲۶/۲، ش ۱۱۱۹).
- ۲۴- تعیین مخاطب ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ در آیه ۴۰ (۵۲۱/۲-۵۲۲)؛ روایت: ۵۲۶/۲، ش ۱۴۹۶).
- ۲۵- توضیح عبارت ﴿وَ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرِيهِ﴾ در آیه ۴۱ (۵۲۲/۲)؛ روایت: ۵۳۱/۲-۵۳۲).
- ۲۶- کلیت تفسیر عبارت ﴿وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ در آیه ۴۱ (۵۲۳/۲)؛ روایت: ۵۳۳/۲).



۴. به‌کارگیری روایات تفسیری صحابه و تابعان در کنار روایات اهل بیت علیهم‌السلام
- گاه روایاتی را که مؤلف از اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه و تابعان نقل می‌کند، در یک راستا بوده و صحیح هستند، از این رو آنها را در کنار هم و بدون ترجیح، در تفسیر آیه به‌کار می‌گیرد. موارد زیر از این قسم است:
- ۱- توضیح عبارت ﴿هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ در آیه ۲ (۴۸/۲)، ش ۹۱؛ ۶۴-۶۳/۲، ش ۱۲۰-۱۲۶ و ۱۲۹؛ ۶۶/۲، ش ۱۴۳).
 - ۲- تفسیر عبارت ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ در آیه ۳ (۴۹/۲-۵۱ و ۱۰۲).
 - ۳- تفسیر آیه ۵ (۲۵۶/۲)؛ روایت: ۱۱۵/۲، ش ۲۹۳-۲۹۵).
 - ۴- توضیح آیه ۹ و حمل آن بر منافقان (۱۳۳/۲).
 - ۵- تفسیر عبارت ﴿وَيَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ در آیه ۱۵ (۱۵۸/۲ و ۱۶۲ و ۱۶۳).
 - ۶- توضیح عبارت ﴿وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ در آیه ۲۵ (۲۶۱/۲-۲۶۳).
 - ۷- توضیح عبارت ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ در آیه ۳۱ (۳۳۹/۲)؛ روایت: ۴۱۵-۴۱۸/۲).
 - ۸- توضیح فقره ﴿ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ﴾ در آیه ۳۱ (۳۳۹/۲)؛ روایت: ۴۱۷-۴۱۸/۲).
 - ۹- توضیح آیه ۴۳ (۵۲۲/۲-۵۲۳)؛ روایت: ۵۳۵/۲، ش ۱۵۴۹؛ ۵۳۸-۵۳۷/۲، ش ۱۵۶۱-۱۵۶۴).
 - ۱۰- تفسیر آیه ۴۴ (۵۲۳/۲)؛ روایت: ۵۳۹-۵۴۵/۲).

۵. تبیین روایات اهل بیت علیهم‌السلام در ذیل روایات صحابه و تابعان
- در برخی موارد، روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است نادرست نیست، ولی روایات رسیده از صحابه و تابعان، به فهم روایات اهل بیت علیهم‌السلام یا مشخص کردن اینکه روایات اهل بیت علیهم‌السلام به کدام بُعد از معنای آیه نظر داشته‌اند، کمک می‌کند. موارد این قسم در ادامه می‌آید.
- ۱- تفسیر ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ﴾ در آیه ۲ (۴۶/۲)؛ روایت: ۶۱-۶۲/۲).
 - ۲- توضیح ﴿يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ در آیه ۳ (۱۰۲/۲-۱۰۴).

۳- توضیح عبارت ﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا﴾ در آیه ۳۸ (۵۱۶/۲)، ش ۱۴۷۵؛ ۵۱۸/۲-۵۱۹).

(ج) گزارش آماری عملکرد تفسیری مفسر در سوره‌های حمد و بقره (جلد ۱ و ۲) بر اساس گزارش تفسیری ارائه شده در دو جلد نخست تفسیر اثری، آمارهای زیر نسبت به نوع به‌کارگیری روایات تفسیری صحابه و تابعان در مقایسه با روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید:

- ۱- ترجیح روایات اهل بیت علیهم السلام بر اخبار صحابه و تابعان: ۳۰ مورد.
- ۲- نادیده گرفتن روایات صحابه و تابعان در تفسیر: ۴۹ مورد.
- ۳- عمل به روایات صحابه و تابعان در جایی که روایتی از اهل بیت علیهم السلام نقل نشده است: ۲۶ مورد.
- ۴- به‌کارگیری روایات تفسیری صحابه و تابعان در کنار روایات اهل بیت علیهم السلام: ۱۰ مورد.

- ۵- تبیین روایات اهل بیت علیهم السلام در ذیل روایات صحابه و تابعان: ۳ مورد.
 - ۶- ترجیح روایات صحابه و تابعان بر روایات اهل بیت علیهم السلام: بدون مورد.
- با قرار دادن موارد ۱، ۲ و ۴ در کنار هم، به دست می‌آید که استاد معرفت در ۸۹ موضع، به اخبار صحابه و تابعان به تنهایی اعتماد نکرده یا حتی آنها را رد کرده است. و با قرار دادن موارد ۳ و ۵ به دست می‌آید که وی در ۲۹ موضع، اخبار صحابه و تابعان را مورد استفاده مستقل قرار داده است.

(د) نتایج حاصل از تحلیل گزارش تفصیلی و آماری تفسیر سوره‌های حمد و بقره بر اساس بررسی آماری عملکرد تفسیری استاد معرفت در دو جلد نخست، این نتایج به دست می‌آید:

- ۱- در مقابله اخبار صحیح اهل بیت علیهم السلام با اخبار صحابه و تابعان، همواره اخبار اهل بیت علیهم السلام در تفسیر مقدم داشته شده است و به عبارت دیگر، تعارض میان این دو دسته اخبار متصور نیست.



۲- گرچه استاد معرفت اخبار تفسیری صحابه و تابعان را حجت می‌داند، ولی با مقدم دانستن روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر اخبار صحابه و تابعان، نشان می‌دهد که کاربرد اصلی اخبار تفسیری صحابه و تابعان، در آیات یا زوایایی از توضیح آیات است که روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام یا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره آنها وارد نشده باشد. این نتیجه بر اساس موارد ۳ و ۵ در گزارش آماری است؛ چرا که در قسم ۳ و ۵، استاد معرفت در ۲۹ مورد، در موضوعی که روایتی از اهل بیت علیهم‌السلام وارد نشده یا مبهم است، به کمک روایات صحیح صحابه یا تابعان، آیات را تفسیر کرده است.

۳- صرف پذیرش حجیت اخبار صحابه و تابعان، مجوز بهره‌گیری حداکثری از آنها در تفسیر نیست، بلکه بیشتر این اخبار، یا از صحت سند برخوردار نیستند، و یا در مرحله نقد محتوایی (عدم موافقت با آیات قرآن، اسرائیلی بودن، یا مخالفت با روایات اهل بیت علیهم‌السلام و ضروریات دین) کنار گذاشته می‌شوند.

۴- تلاش زیاد استاد معرفت در معرفی دیدگاه‌های شیعه و دفاع از آنها با تکیه بر روایات شیعی، و نیز هم‌خوان کردن برخی اخبار صحابه و تابعان با روایات اهل بیت علیهم‌السلام، نشان می‌دهد که وی علاوه بر رویکرد علمی در تفسیر خود، رویکرد ترویجی نیز داشته است؛ به این معنا که خواسته است با کنار هم نهادن روایات اهل بیت علیهم‌السلام و اخبار صحابه و تابعان - که ارزش روایی زیادی در میان اهل سنت دارد - آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام را به گوش دانشمندان و حقوق‌جویان اهل سنت برساند و به آنان اثبات کند که در صورت توجه به روایات مورد قبول خود، خواهند دید روایات اهل بیت علیهم‌السلام چه میزان در تفسیر آیات راه‌گشاست و در بسیاری موارد، آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام توسط صحابه و تابعان نیز مورد قبول واقع شده است.

نتیجه‌گیری

با کنار هم قرار دادن نتایج حاصل از دیدگاه‌های نظری آیت‌الله معرفت و نتایج حاصل از عملکرد تفسیری ایشان درباره جایگاه اخبار تفسیری صحابه در مقایسه با روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، می‌توان به نتایج زیر اذعان کرد:

۱- فرضیه به دست آمده در تحلیل رویکرد نظری، کاملاً هم‌خوان با عملکرد تفسیری مفسر است.

۲- حجیت اخبار صحابه، دیدگاه واقعی آیت‌الله معرفت است، نه اینکه ایشان صرفاً به لحاظ رویکرد تقریبی خواسته باشد دیدگاه‌های دو مکتب را گرد هم آورد. ولی باید توجه داشت که اولاً مراد از حجیت در اخبار تفسیری، کاشفیت از واقع و معنای آیات است، نه معذرت و منجزیت، ثانیاً میزان و ارزش حجیت اخبار تفسیری صحابه، در طول و در درجه پایین‌تری از حجیت اخبار تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) است. از این‌رو تصور اینکه استاد معرفت با حجیت دادن به اخبار صحابه، آنان را در ردیف معصومان قرار داده، سخنی نادرست است؛ زیرا اولاً وی در رویکرد نظری، اهل بیت (علیهم السلام) را معصوم می‌داند و در مقابل، صحابه را قابل خطا معرفی می‌کند، و یکی از شروط پذیرش روایات صحابی را پیروی ایشان از امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌شمارد، و شأن اهل بیت (علیهم السلام) در مقایسه با صحابه بزرگ را شأن معلمی می‌داند. ثانیاً در رویکرد عملی، حتی در یک مورد، روایات صحابه و تابعان را مقدم بر روایات صحیح اهل بیت (علیهم السلام) نمی‌کند، بلکه در موارد زیادی حتی با وجود یک روایت صحیح از اهل بیت، روایات صحابه و تابعان را با محوریت آن معنا می‌کند.

۳- صرف پذیرش حجیت اخبار صحابه و تابعان، مجوز بهره‌گیری حداکثری از آنها در تفسیر نیست، بلکه بیشتر این اخبار، یا از صحت سند برخوردار نیستند، و یا در مرحله نقد محتوایی (عدم موافقت با آیات قرآن، اسرائیلی بودن، یا مخالفت با روایات اهل بیت (علیهم السلام) و ضروریات دین) کنار گذاشته می‌شوند.

۴- با توجه به عملکرد تفسیری آیت‌الله معرفت، توجه به روایات صحیح صحابه و تابعان برای پر کردن رخنه‌هایی است که به دلیل نبود روایات صحیح از اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر به وجود آمده است. به عبارت دیگر، کارکرد ویژه روایات تفسیری صحابه و تابعان، در آیات یا زوایایی از آیات است که روایتی صحیح از معصومان وارد نشده یا روایات ایشان مبهم است، و روایات صحابه و تابعان فهم



روشنی از آنها برای ما به دست می‌دهد. این رویکرد در میان مفسران بزرگ شیعه، نظیر شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی و ... نیز مشاهده می‌شود.

۵- برخی نقدهایی که بر دیدگاه ایشان درباره حجیت اخبار صحابه و تابعان صورت گرفته، به دلیل نادیده گرفتن عملکرد تفسیری و مجموع نظرات ایشان درباره جایگاه روایات اهل بیت علیهم‌السلام و اخبار صحابه و تابعان است.

پی‌نوشت‌ها

۱- برای اطلاع از محتوای این مقالات، ن.ک: معرفت قرآنی (یادنگار آیت الله محمدهادی معرفت)، ج ۱ و ۴.

۳- اصل این حدیث از امام علی علیه‌السلام و در امالی شیخ طوسی است: «... وَ أَوْصِيكُمْ بِأَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ، لَا تَسْبُوهُمْ، وَ هُمْ الَّذِينَ لَمْ يُحْدِثُوا بَعْدَهُ حَدَثًا، وَ لَمْ يَأْتُوا مُحَدِّثًا...» (طوسی، الامالی، ۵۲۳).

۴- برای آگاهی بیشتر از موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر، ر.ک: ناصح، معرفت قرآنی، ۱۷۸-۱۶۱/۴، مقاله «حجیت روایات تفسیری از دیدگاه آیت الله معرفت».

۵- آدرس‌دهی در مطالب زیر این گونه است که ابتدا در داخل پراکنش به آدرس تفسیر استاد معرفت از آیه اشاره می‌شود، سپس بعد از عنوان «روایت»، به آدرس روایات مورد استناد برای آن اشاره می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابوریه، محمود؛ اضواء علی السنة المحمدية او دفاع عن الحديث، بی‌جا، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۳. خوبی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، بی‌تا.
۴. رازی، ابوالفتوح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۵. سبحانی، محمدتقی؛ بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسة النشر الاسلامی - مؤسسة الامام الصادق (علیه السلام)، بی تا.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۸. طوسی، محمد بن حسن؛ الأمالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۹. _____؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن؛ تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۱۱. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسة التمهید، ۱۳۸۷ش.
۱۲. _____؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۱۳. _____؛ پرتو ولایت، گردآوری: مجتبی خراط، قم، مؤسسه التمهید، بی تا.
۱۴. _____؛ صحابه از منظر اهل بیت (علیهم السلام)، قم، مؤسسه تمهید، ۱۳۸۷ش.
۱۵. _____؛ «کاربرد حدیث در تفسیر»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۴۱-۱۴۶.
۱۶. نائینی، محمدحسین؛ أجود التقريرات، تقرير: سيد ابوالقاسم خویی، قم، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ش.
۱۷. نصیری، علی؛ معرفت قرآنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.